

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





چهل حدیث از امام ہادی علیہ السلام

عنوان و نام پدیدآور: **چهل حدیث از امام هادی علیه السلام**، (روشنای هدایت) / ترجمه و تدوین اداره امور فرهنگی  
 معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی:  
 شاعر: محمد جواد غفورزاده (شفیق).  
 مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷  
 مشخصات ظاهری: ۴۸ ص  
 فروست: انتشارات آستان قدس رضوی؛ ۸۶۷  
 شابک: ۱ - ۱۰۷۴ - ۰۲ - ۹۴۶۴ - ۹۷۸  
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
 موضوع: علی بن محمد، امام دهم، ۲۱۲-۲۵۴ق- - احادیث.  
 موضوع: شعر فارسی - - قرن ۱۴.  
 موضوع: اربعینات - - قرن ۱۴.  
 شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. اداره امور فرهنگی.  
 شناسه افزوده: انتشارات آستان قدس رضوی  
 رده بندی کنگره: ۱۳۸۷ ج۹۴-۸۳۴ ف / ۸۱۵۲ PIR  
 رده بندی دیویی: ۱/۶۲ فا  
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۰۶۹۷۸



**چهل حدیث از امام هادی علیه السلام**، (روشنای هدایت)  
 ترجمه و تدوین: اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی  
 شاعر: محمد جواد غفورزاده (شفیق)  
 مدیر هنری و طراح گرافیک: رضا باباجانی  
 صفحه آرایی: محمود بازدار  
 نوبت چاپ: چهارم - ۱۳۹۰  
 شمارگان: ۲۰۰۰  
 ناشر: انتشارات قدس رضوی  
 شابک: ۱ - ۱۰۷۴ - ۰۲ - ۹۴۶۴ - ۹۷۸  
 چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس  
 نشانی تهیه کننده: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی  
 ضلع غربی، اداره امور فرهنگی      تلفن: ۰۵۱۱-۲۰۰۲۵۶۷  
 صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵  
 حق چاپ محفوظ است.



- ۱ فروتنی
- ۲ طریق خدا پرستی
- ۳ سعادت شکر
- ۴ سرای امتحان
- ۵ اهانت نفس
- ۶ نابودی حسد
- ۷ بنخل
- ۸ خشم بر زیردست
- ۹ نارضایتی والدین
- ۱۰ اموال و اعمال
- ۱۱ شکر نعمت
- ۱۲ تلاش
- ۱۳ از خود راضی
- ۱۴ بیهوده گویی
- ۱۵ سرزنش
- ۱۶ خیر بنده
- ۱۷ ستیزه جویی
- ۱۸ خوی فاسد
- ۱۹ بستر مرگ
- ۲۰ تقدیر



استاد و شاگرد	۲۱
خود پسندی	۲۲
طمع	۲۳
بی تأثیری حسد	۲۴
حسد	۲۵
شب زنده داری	۲۶
بردباری	۲۷
اطاعت دوست	۲۸
بازار دنیا	۲۹
اطاعت حق	۳۰
نادان	۳۱
مصیبت نابردبار	۳۲
خاکسار خداوند	۳۳
تواضع	۳۴
بی نیازی	۳۵
عالمان راستین	۳۶
نشانه‌ی غرور	۳۷
اسیر زبان	۳۸
افزون طلبی	۳۹
مطیع پروردگار	۴۰

به نام خداوند مهرآفرین

پیامبر اعظم ﷺ و خاندان پاکش علیه السلام فرمانروایان اقالیم سخن اند، سخن در کام آسمانی آنان نرم تر از آب، در جان جویباران است. جوشش سخن از لبان گوهربار آنان، چونان جوشش نور از چشمه‌ی خورشید است. آنان بر خلاف دیگران، دانش را از منابع بشری و از لابلای کتاب‌ها در نیافته‌اند، بلکه شاهد علم را دست شاهد علیم علام، در کامشان ریخته است. علم آنان از مقوله‌ی علم حضوری است، نه از جنس علم حصولی. چیزی نزد آنان ناپیدا نیست تا با کاوش و جست‌وجو پیدایش کنند.

در زیارت جامعه‌ی کبیره در وصف اهل بیت علیه السلام به توصیفاتی برمی‌خوریم که در خور فهم ما، عظمت اندیشه و دانش آنان را باز می‌نمایاند. توصیفاتی چونان: گنجینه داران علم، گنجوران دانش، نور و برهان الهی، نگاه داران راز الهی، خزانه داران علم خداوندی، ودیعه داران حکمت ربانی، زبان‌های وحی الهی، میراث داران نبوت و... از جمله توصیفاتی است که از آن بزرگان بی‌نظیر، ارائه شده است. تردیدی نیست که برای دست‌یابی به سرچشمه‌ی دانش و معدن حکمت، باید رو به درگاه آن بزرگان نهاد و گوهر علم و حکمت را در نزد آنان جست. و از این منظر، بازخوانی سخنان گهربار امامان هدایت، ضرورتی فرا زمانی است که در هر روزگار و زمانی می‌تواند فرزندان آن روزگاران را به اندیشه‌ی درست و مسیر حق، راهنمون سازد. و شاید به همین دلیل است که در روایات، تأکید فراوانی بر حفظ احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت آن حضرت شده است و حفظ

و انتقال احادیث، ارجح و اهمیتی فراوان یافته و پاداش بهشت برای آن مقرر گردیده است.

روشن است که انتقال و حفظ احادیث معصومین علیهم السلام به معنای حفظ و اشاعه‌ی گوهرهای بی بدیلی از دانش و حکمت است که از معدن الهی آن استخراج شده و همواره همچون چراغی روشن، راه فرزندان آدم را نورافشان می‌کند.

مخاطبان ارجمند می‌دانند که حفظ چهل حدیث، مورد تأکید پیامبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله و توجه ویژه‌ی عالمان دین بوده است، به گونه‌ای که کتاب‌های اربعین حدیث، مجلدات قابل توجهی از آثار عالمان بزرگ دینی را به خود اختصاص داده و امام راحل قدس سره نیز با نگاشتن کتاب اربعین به این مهم اهتمام ورزیده اند.

اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی با توجه به این مهم برآن شد که اربعینی از سخنان امام هادی علیه السلام را در مجموعه‌ای کوچک، به پیشگاه دوستداران و پیروان آن حضرت، تقدیم کند تا مؤمنان از خورشید پر فروغ اندیشه‌ی آن حضرت، خوشه‌های نور بچینند و از فروغ عالم آرای آن، بهره ور گردند. و در ذیل احادیث، اشعاری با نگاه به سخنان آن حضرت آورده شده است. امید است که دوستداران آن حضرت ما را از پیشنهادها و انتقادهای خود بی بهره نگذارند.

آستان قدس

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

اداره امور فرهنگی





قل العادى البتة:

التواضع أن تُغَطِّيَ النَّاسَ مَا تُحِبُّ  
أَنْ تُغَطِّيَهُ

فروتنی در آن است که با مردم چنان باشی که دوست داری  
با تو چنان باشند.

(المحجة البيضاء / ۵ / ۲۲۵)

جانا! به فروتنی، گر ایمان داری  
یا میل، به رفتار کریمان داری  
با مردم روزگار خود، همدل باش  
آن گونه، که انتظار از آنان داری



قال لعدي بن زيد:

مَنْ كَانَ عَلَيَّ بَيْنَتٍ مِنْ رَبِّي هَانَتْ عَلَيْهِ  
مَصَائِبُ الدُّنْيَا وَلَوْ قُرِضَ وَنُشِرَ

هر که بر طریق خداپرستی محکم و استوار باشد، مصایب دنیا بر وی سبک آید، گرچه تکه تکه شود.

(تحف العقول / ۵۱۱)

گر مرد ره خدا پرستی هستی  
در بندگی خدای هستی ، هستی  
اندوه زمانه گر تو را، خرد کند  
آسوده ز هر بلند و پستی هستی



قل العادی بالله:

الشَّاكِرُ أَسْعَدُ بِالشُّكْرِ مِنْهُ بِالنِّعْمَةِ الَّتِي  
أَوْجَبَتِ الشُّكْرَ، لِأَنَّ النِّعْمَ مَتَاعٌ وَ الشُّكْرَ  
نِعْمٌ وَ عُقْبَةٌ

شخص شکرگزار به سبب شکر، سعادتمندتر است تا به سبب نعمتی که باعث شکر شده است، زیرا نعمت، کالای دنیاست و شکرگذاری، نعمت دنیا و آخرت است.

(تحف العقول / ۵۱۲)

تا دل به «سیاس»، می سپاری ای دوست!  
از نعمت و ناز، بهره داری ای دوست!  
خواهی به سعادت برسی، در دو جهان  
غفلت مکن از «شکر گذاری» ای دوست!



قال العادى بالله:

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الدُّنْيَا دَارَ بَلْوَى وَ الآخِرَةَ دَارَ  
عُقْبَى، وَ جَعَلَ بَلْوَى الدُّنْيَا لِثَوَابِ الآخِرَةِ سَبَبًا  
وَ ثَوَابِ الآخِرَةِ مِنْ بَلْوَى الدُّنْيَا عَوَضًا

خداوند دنیا را سرای امتحان و آزمایش ساخته و آخرت را سرای  
رسیدگی قرار داده است ، و بلای دنیا را وسیله‌ی ثواب آخرت و  
ثواب آخرت را عوض بلای دنیا قرار داده است.

(تحف العقول / ۵۱۲)

بگذار، دعای مستجابت بدهند  
از کوثر عرفان، می نابت بدهند  
«امروز» اگر، سهم تو شد رنج و بلا  
ره توشه‌ی «فردا» و، ثوابت بدهند



قال المادى بالله:

مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ

کسی که خود را سبک می‌شمارد ، از شرّ او در امان مباش.

(تحف العقول / ۵۱۲)

فرمود امام راستان، «هادی» راه  
مفهوم بلند، در حدیثی کوتاه:  
هر کس، خود را خوار و سبک بشمارد  
باید به خدا ز شرّ او برد پناه



قال الهادي عليه السلام:

# الْحَسَدُ مَا حِقُّ الْحَسَنَاتِ

حسد، نابود کننده‌ی خوبی هاست.

(مسند الامام الهادي عليه السلام / ۳۰۲)

ای آنکه تو را، چشم عنایت ز خداست  
شیطان، به کمین نشسته است از چپ و راست  
پرهیز کن از «حسد» که گفتند: حسد  
نابود کننده‌ی همه خوبی هاست



قال الهادي عليه السلام:

الْبُخْلُ أَدْمُ الْأَخْلَاقِ

بخل، نکوهیده ترین خوی هاست.

(مسند الامام الهادی علیه السلام / ۳۰۲)

بر دامت از «بخل» چو بنشیند گرد  
سرسبزی باغ خاطرت، گردد زرد  
بیماری بخل، بدترین بیماری ست  
باید، به خدا پناه برد از این درد



قال لهادي عليه السلام:

# الْغَضَبُ عَلَى مَنْ تَمَلِكُ لَوْمٌ

خشم بر زيردستان، از پستی است.

(مسند الامام الهادي عليه السلام / ۳۰۴)

«خشم» آينه‌ی شقاوت و بدمستی است  
انگيزه‌ی درگير شدن، با هستی است  
از شخص «زيردست» مدارا نيكوست  
چون خشم به «زيردست» خود از پستی است





قل للمادی اللیلۃ:

# الْعُقُوقُ يُعَقِّبُ الْقِلَّةَ وَيُؤَدِّي إِلَى الدَّلَّةِ

نارضايتی پدر و مادر، باعث ضعف و ذلت آدمی می شود.

(مسند الامام الهادی علیہ السلام / ۳۰۳)

از غنجه‌ی بوستان، شکوفاتر باش  
سرسبز بمان و باغبان باور باش  
خواهی که دچار ضعف و ذلت نشوی  
راضی به رضای «پدر و مادر» باش



قال الهادي عليه السلام:

# النَّاسُ فِي الدُّنْيَا بِالْمَوَالِ وَفِي الْآخِرَةِ بِالْأَعْمَالِ

مردم در دنیا با اموالشان هستند و در آخرت با اعمالشان.

(مسند الامام الهادي عليه السلام / ۳۰۴)

چون موج، خروشان و پریشان حالیم  
دنیا طلبانِ بی پر و، بی بالیم  
امروز، به «مال» اگر چه دل می بندیم  
فردا- به خدا- در گرو «اعمالیم»



قال الهادي عليه السلام:

الْقُوَّةُ النَّعْمَ بِحُسْنِ مُجَاوَرَتِهَا وَ التَّمَسُّوُا  
الزِّيَادَةَ فِيهَا بِالشُّكْرِ عَلَيْهَا

برای نعمت‌ها، همسایه‌ی خوبی باشید و با شکرگزاری،  
خواستار افزایش آن باشید.

(مسند الامام الهادی علیه السلام / ۳۰۵)

از لطفِ نسیم، گل شود گلگون‌تر  
زیباتر و، دلرباتر و، موزون‌تر  
پاکیزه‌ دلان، همیشه نعمت‌ها را  
با «شکر و سپاس» می‌کنند افزون‌تر



قال لهادي الهادي:

# أَذْكُرُ حَسْرَاتِ التَّفْرِيطِ بِأَخْذِ تَقْدِيمِ الْحَزْمِ

افسوسِ کوتاهی کارهای گذشته را با تلاش در آینده جبران کنید.

(مسنند الامام الهادي عليه السلام / ۳۰۴)

ای سایه‌ی عمر، بر سرت پاینده  
پابند وفا باش و، خدا را بنده  
افسوس گذشته‌های بی حاصل را  
جبران سازد تلاش، در آینده



قال المادى بالله:

مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخِطُونَ  
عَلَيْهِ

کسی که از خویشتن راضی باشد، خشم گیرندگان بر او بسیار گردند.

( بحار الأنوار / ۶۹ / ۳۱۶ )

گفتند: بلای جان «طاووس» پر است  
و افریادا! ز مردم نفس پرست  
پیوسته دچار خشم مردم گردد  
هر کس که ز خود راضی و خودخواه تر است



قال لعدي بن ثابت:

# الْمَزَلُ فُكَاهَةٌ السُّفَهَاءِ وَصِنَاعَةُ الْجُهَّالِ

بیهوده گویی، سخنان خنده آور کم خردان و کار نادانان است.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۳۶۹)

حرفی که در آن فروغی از حکمت هست  
از سینه به سینه می رود، دست به دست  
فرمود امام: شیوهی بی خردان  
خنداندنِ خلق، از سخنِ بیهوده است



قُلْ لِمَا دُعِيَ السَّبِيحَةُ:

## الْعِتَابُ مِفْتَاحُ التَّوْقَلِ

سرزنش و تندی کردن، کلید دشواری‌های سنگین است.

(بحار الأنوار/ ۷۵/ ۳۶۹)

امید تو از مردم، اگر یاری هاست  
در خُلقِ خوش است و در کم آزاری هاست  
پرهیز کن از سرزنش و بد خوئی  
کاین هر دو، کلیدِ قفلِ دشواری هاست



قَالَ لَعَدَى اللَّهِ:

إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا إِذَا عُوْتِبَ قَبْلَ

هرگاه خداوند خیر بنده ای را بخواهد هنگامی که به او تذکر داده می شود، می پذیرد.

(مستدرک الوسائل / ۸ / ۳۲۹)

سبزی و طراوت، به کویرش بدهد  
روشنگری و، نور ضمیرش بدهد  
با هر که «خدا» اراده ی خیر کند  
از لطف، دل «نقد پذیر»ش بدهد





قل العادی بالله:

# الْمِرَاءُ يُفْسِدُ الصَّدَاقَةَ الْقَدِيمَةَ

ستیزه جویی و جدال لفظی، دوستی دیرین را تباه می‌سازد.

(بحار الأنوار / ۷۸ / ۳۷۰)

ای داده خدا، چشم و دل حق بینات  
ای لطف و مدارا و صفا، آیینات  
با دوست، اگر ستیزه جویی کردی  
بر باد رود، دوستی دیرینات



قال لعدي بن زيد:

# الْحِكْمَةُ لَا تَنْجِعُ فِي الطَّبَاعِ الْفَاسِدَةِ

کلام حکیمانه در خوی فاسد اثر نمی گذارد.

(بحار الأنوار/ ۷۵/ ۳۷۰)

ای آنکه دلت، شوق هدایت دارد  
چون آینه، نور از سخنت می بارد  
تردید مکن، «کلام حکمت آمیز»  
در طینت نااهل، اثر نگذارد!



قل للمادی اللیلۃ:

أَذْكُرُ مَصْرَعَكَ بَيْنَ يَدَيَّ أَهْلِكَ وَلَا  
طَبِيبَ يَمْنَعُكَ وَلَا حَبِيبَ يَنْفَعُكَ

به یاد آور هنگامی را که در برابر خانواده ات در بستر مرگ افتاده‌ای  
در حالی که نه طبیبی مرگ را می‌تواند از تو باز دارد و نه دوستی  
می‌تواند برایت سودمند باشد.

(بحار الأنوار/ ۷۵/ ۳۷۰)

یاد آر زمانی که، ز بارانِ تگرگ  
چون باغ خزان دیده شوی بی بر و برگ!  
نه، «دوست» به یاری تو خیزد، نه «طیب»  
افتاده‌ای آن روز که در بسترِ مرگ!



قال لعدي بن زيد:

# الْمَقَادِيرُ تُرِيكَ مَا لَمْ يَخْطُرْ بِبَالِكَ

تقدیرها، آنچه را که به ذهنت خطور نمی کرده به تو نشان می دهد.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۳۶۹)

یک چند، خدا تو را زمان خواهد داد  
در گردش روزگار، امان خواهد داد  
چیزی که به ذهن تو نکرده است خطور  
آن را به تو «تقدیر» نشان خواهد داد



قل للمادی التَّجَلُّد:

# إِنَّ الْعَالِمَ وَالْمُتَعَلِّمَ شَرِيكَانِ فِي الرُّشْدِ

همانا استاد و شاگرد هر دو در رشد و ترقی شریکند.

(بحار الأنوار/ ۷۵/ ۳۶۶)

آنان که به شوقِ معرفت، ره سپرند  
یا رهرو دانش‌اند، یا راهبرند  
«شاگرد»، اگر چه فیض از «استاد» برَد  
از نعمتِ «رشد» همزمان بهره‌ورند



قال لعدي بن ربيعة:

# الْعُجْبُ مَارِفٌ عَنِ طَلَبِ الْعِلْمِ دَاعٍ إِلَى الْغَمَطِ وَالْجَهْلِ

خودپسندی بازدارنده‌ی از طلب علم و فرا خواننده‌ی به سوی  
پستی و نادانی است .

(بحار الأنوار / ۷۲ / ۱۹۹)

جانا! صدفی که عاشق دُر باشد  
افتادگی آموخته و حُر باشد  
در مردم « خود پسند» آگاهی نیست  
سَدِّ طلب علم، « تکبّر » باشد



قل العادی بالله:

# الطَّمَعُ سَجِيَّةٌ سَيِّئَةٌ

طمع، سرشتی ناپسند است.

(بحار الأنوار / ۶۹ / ۱۹۹)

سوهان دل نیازمند است، طمع  
دام است و، فریب است و، کمند است، طمع  
«خورشید دهم» که هادی امّت ماست  
فرمود: سرشتِ ناپسند است، طمع



قال لعدي بن ثابت:

# إِيَّاكَ وَالْحَسَدَ فَإِنَّهُ يَبِينُ فَيْكَ وَلَا يَعْمَلُ فِي عَدْوِكَ

از حسد پرهیز زیرا در تو اثر بد می‌گذارد و در دشمنیت هم  
تاثیری ندارد.

(مستدرک الوسائل / ۱۲ / ۲۰)

در راه کمال ما «حسد»، یعنی سدّ  
هرگز کسی از حسد، به مقصد نرسد  
ای دوست! حذر کن از حسادت، زیرا  
دشمن نخورد شکست، از تیغِ حسد



قُلْ لِمَادَى اتَّبَعْتُمْ:

لِيَاكُ وَالْحَسَدَ فَإِنَّهُ شَرُّ شَيْمَةٍ وَأَقْبَحُ  
سَجِيَةٍ

از حسد پرهیز، زیرا حسد بدترین و زشت ترین خلق است.

(مستدرک الوسائل / ۱۲ / ۲۳)

چون آینه باش، یک دل و روشن و راست  
آینه دلی، شیوهی مردان خداست  
از دشمن جانت - از حسادت - بگریز!  
زیرا که حسد، زشت ترین عادت هاست



قال لعدي بن ثابت:

# السَّهْرُ الَّذِي لِمَنَامِهِ وَالْجُوعُ يَزِيدُ فِي طَيْبِ الطَّعَامِ

شب زنده داری، خواب را لذیذتر می‌کند و گرسنگی بر  
حلاوت طعام می‌افزاید.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۳۶۹)

شب زنده دلان که خواب شیرین دارند  
با مرغ سحر، الفت دیرین دارند  
شیرین بشود طعام، از گرسنگی  
در کام کسانی که دل و دین دارند



قل العادی سورة:

إِنَّ الظَّالِمِ الحَالِمِ يَكَادُ أَنْ يُعْفَى عَنِّه ظُلْمِهِ  
بِحِلْمِهِ وَإِنَّ الْمُحِقَّ السَّفِيهَ يَكَادُ أَنْ يُطْفِئَ  
نُورَ حَقِّهِ بِسَفَاهِهِ

شاید ستمگر بردبار، روزی به خاطر بردباری اش بخشیده شود و چه بسا صاحب حق نادان، نور حق خود را به نادانی خاموش کند.

( بحار الأنوار / ۷۵ / ۳۶۵ )

گر صاحب حق، کم است عقل و رایش  
خاموش شود شعله‌ی حق پیمایش  
شاید که ، ستمگری که صابر باشد  
بخشیده شود به بردباری هایش



قال لعادی بالله:

# مَنْ جَمَعَ لَكَ وُدَّهُ وَرَأْيَهُ فَاجْمَعْ لَهُ طَاعَتَكَ

اگر کسی برای تو دوستی و نظرش را به تمامه گذاشت (دوستانه  
تو را راهنمایی کرد) تو نیز با اطاعت، او را یاری نما.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۳۶۵)

در دوستی تو، آن که با حُسن مَرَام  
پیوسته گذاشت از وفا، سنگ تمام  
در سایه‌ی او بگیر کم کم آرام  
در پیروی اش، تلاش کن گام به گام



قال المادى بالله:

# الدُّنْيَا سُوقٌ رِيحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَخَسِرَ آخَرُونَ

دنیا بازاری ست که مردمانی در آن سود می برند و گروهی زیان می بینند.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۳۶۶)

دنیا باز است، ولی چون گلزار  
دارد گل او صفا و خارش آزار  
یک قوم، در این میان زیان می بینند  
یک طایفه سود می برند از بازار



قال لعدي بن ثابت:

مَنْ اتَّقَى اللَّهَ يُتَّقَى وَمَنْ أَطَاعَ اللَّهَ يُطَاعُ

هر که از خدا پروا کند، از او پروا کنند. و هر که از خدا اطاعت کند، اطاعتش کنند.

(بحار الأنوار / ۷۸ / ۳۶۶)

آنان که می از چشمه ی تقوی نوشند  
چشم و نظر از غیر خدا می پوشند  
از هیبت شان، مردم، پروا دارند  
در خدمتشان به جان و دل می کوشند



قل للمادی بالله:

# الْجَاهِلُ أَسِيرُ لِسَانِهِ

نادان، در بند زبان خویش است.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۳۷۰)

آن کس که ز راه عقل، گم کرده مسیر  
دستش نرسد به دامن « خیر کثیر »  
در ظاهر اگر چه هست آزاد، اما  
در دام « زبان » خود، اسیر است اسیر



قال لعدي بن زيد:

# الْمُصِيبَةُ لِلصَّابِرِ وَاحِدَةٌ وَلِلْجَارِعِ اثْنَتَانِ

مصیبت برای بردبار یکی و برای نابردبار دو تاست.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۳۷۰)

آن کس که صبور است و مصیبت دیده است  
« یک بار »، گل از گلشن حسرت، چیده است  
وان کس که شکیبیا به مصیبت نشود  
گویا « دو عزا » گرد سرش، گردیده است





قال المادى بالله:

# رَاغِمَالِكَ يَا خَالِقِي دَاخِرًا خَاضِعَا

آفریدگارم! در برابرت خاکساریم و سرافکنده و فروتن.

( بحار الأنوار / ۷۵ / ۳۶۸ )

یارب! به مقام بندگی، بنده من ام  
در نزد تو، خاکسار و شرمنده من ام  
تو حاکم مطلق جهانی، اما  
مسکین و فروتن و سرافکنده من ام



قال لعدي بن ثابت:

أَشَدُّ النَّاسِ تَوَاضُعًا أَعْظَمُهُمْ حِلْمًا  
وَأَنْدَاهُمْ كَفًّا وَامْتِنَعُهُمْ كَتْفًا

متواضع ترین مردم، بردبارترین و گشاده روترین و پناه ده ترین آنهاست.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۳۶۶)

هر یک از ما، تواضع اش بیشتر است  
در صبر و شکیب، از دگران پیش تر است  
وان کس که گشاده روست، مانند بهار  
آغوش محبت اش، گل اندیش تر است

قُلْ الْمَادَى لِلنَّاسِ

# الْغِنَى قَلِيلٌ تَمَنَّىكَ وَالرِّضَا بِمَا يَكْفِيكَ

بی نیازی، کاستن از آرزوها و خشنودی به مقدار کفایت است.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۳۶۶)

گفتند: «غنا» از آرزو کاستن است  
خود را به غنای طبع، آراستن است  
تسلیم و رضا چیست؟ به مقدار کفاف  
پیمانه‌ی روزی از خدا خواستن است



قَالَ لَعَادَى اللَّهِ:

تَأْتِي عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا الْقَوْمُونَ بِضِعْفَاءٍ مُحِبِّينَا  
وَ أَهْلٍ وَ لَيْتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ الْأَنْوَارُ تَسْطَعُ مِنْ  
تِيْجَانِهِمْ

علمای پیروان ما که به دوستان و پیروان ناتوان ما رسیدگی کنند، روز  
قیامت در حالی وارد می‌شوند که از تاج‌های آنها نورافشانی می‌شود.

(بحار الأنوار / ۲ / ۷)

دانشمندی، که ناتوان را یار است  
در خدمت خلق، شیوه‌اش ایثار است  
در پهنه‌ی رستخیز، تاج سر او  
نور افشان است و مَطْلَعُ الْأَنْوَارِ است



قال المادى عليه السلام:

إِنَّ مِنْ الْغُرَّةِ بِاللَّهِ أَنْ يُصِرَّ الْعَبْدُ عَلَى  
الْمَعْصِيَةِ وَيَتَمَنَّاهُ عَلَى اللَّهِ الْمَغْفِرَةَ

از نشانه های غرور نسبت به خدا آن است که بنده، استمرار و اصرار بر گناه داشته باشد و در همان حال ، آرزومند بخشایش الهی باشد.

(حياة الامام على الهادى عليه السلام / ١٦٤)

هر کس دارد غرور! نسبت به خدا  
اما زکمند معصیت، نیست جدا  
گر در دلش آرزوی بخشایش هست  
حاشا که برد فیض ز مصباح هدی



قال لعدي بن زيد:

# رَاكِبُ الْحَرُونِ أَسِيرُ نَفْسِهِ وَالْجَاهِلِ أَسِيرُ لِسَانِهِ

سوار بر مرکب چموش و خیره سر، اسیر جان خود و فرد نادان، اسیر زبان خود است.

( بحار الانوار / ۷۵ / ۳۶۹ )

از مرکب سرکش، تو سواری مَطْلَب  
یعنی: زهوای نفس، یاری مطلب  
ای آنکه تو را « تیغ زبان » کرده اسیر  
از فصل خزان، گل بهاری مطلب



قال الهادي عليه السلام:

مَنْ سَأَلَ فَوْقَ قَدْرِ حَقِّهِ فَهُوَ أَوْلَى  
بِالْحَرَمَانِ

هر کس بیش از اندازه و حق خودش بخواهد، او به محرومیت  
شایسته تر است.

( حیاة الامام علی الهادی علیه السلام / ۱۵۷ )

آن کس که زیاده خواهی، آینه‌ی اوست  
محروم شود عاقبت از رحمت دوست  
از حق خود، افزون طلبیدن عیب است  
« اندازه نگهدار که اندازه نکوست »



قال لعدي بن ثابت:

مَنْ أَطَاعَ الْخَالِقَ لَمْ يَبَالِ سَخَطَ الْمَخْلُوقِينَ

کسی که از آفریدگار اطاعت کند، از خشم آفریده ها باکی ندارد.

(تحف العقول / ۴۸۲)

آن کس که به جز خدا تمنا نکند  
اندیشه به غیر « لا و الا » نکند  
با پیروی از خالق هستی، هرگز  
از خشم و خروش خلق، پروا نکند